

برگزیده ها

در سرمقاله این شماره («رضاخان سردار سپه و قرارداد داری»)، به قرارداد داری (۱۲۸۰ خورشیدی/۱۹۰۱ میلادی) و فسخ آن و قرارداد جدید نفت (۱۳۱۲/۱۹۳۳) اشاراتی شده، و نیز قسمتهای اساسی نطق دکتر مصدق در مجلس چهاردهم درباره زیانهای قرارداد جدید نفت نقل گردیده است، و به سخنان سید حسن تقی زاده در مجلس پانزدهم درباره چگونگی فسخ قرارداد داری و امضای قرارداد جدید هم اشاره گونه ای به عمل آمده است. چون بسیاری از کسانی که در گذشته و حال، به این دو قرارداد و نیز به نطق تقی زاده در مقاله ها و کتابهای خود اشاراتی کرده اند، متن کامل دو قرارداد و نطق تقی زاده را در اختیار نداشته اند، به ناچار فقط به نقل عباراتی از این و آن پرداخته اند که معلوم نیست ناقلان آن عبارات، خود تا چه حد بیطرف بوده اند. بدین سبب «برگزیده ها»ی این شماره ایران شناسی به متن کامل قرارداد داری، نطق تقی زاده در مجلس پانزدهم، و قرارداد جدید نفت اختصاص داده شده است، تا خوانندگان و محققان خود درباره آنها داوری کنند، زیرا همان طوری که در دو شماره اخیر ایران شناسی به این موضوع اساسی تصریح گردیده است - به خصوص از شهریور ۱۳۲۰ تا کنون - تاریخ معاصر ایران، از انقلاب مشروطیت به بعد، بیشتر به توسط کسانی نوشته شده است که بیطرف نبوده اند و بدین جهت آنان به جای تاریخ مستند و معتبر، «تاریخ وارونه ای» در اختیار ما قرار داده اند که گمراه کننده است. تاریخ این دوران پر فراز و نشیب را باید افراد بیغرض که به دار و دسته های سیاسی و عقیدتی وابستگی ندارند بر اساس اسناد دست اول - نه با تکیه بر شایعات بی پایه مردم پسند - بنویسند. بدین جهت تاریخ معاصر ما به یک بازنگری دقیق نیازمند است.

در اجرای این مقصود، در «برگزیده ها» ی این شماره نخست می پردازم به مقدماتی که به امضای قرارداد داری انجامید، و سپس متن کامل قرارداد داری، بعد نطق سید حسن تقی زاده را در مجلس پانزدهم از نظر خوانندگان می گذرانم، و در پایان، متن کامل قرارداد جدید نفت را.

۱- قرارداد داری

الف - مقدمات تحصیل امتیازنامه داری

مصطفی فاتح در کتاب پنجاه سال نفت ایران در زیر عنوان «امتیاز داری و جریان تحصیل آن» نوشته است:

«چند سال قبل از اعطای امتیاز داری، مسیو دومرگان (Monssieur de Morgan) باستان شناس فرانسوی که سالها در شوش مشغول کاوش برای کشف آثار باستانی ایران بود، مقاله ای در مجله «معادن» (*Les Annales Mines*) که در پاریس چاپ می شد نوشت و راجع به وجود نفت در غرب و جنوب غربی ایران شرح مفصلی نگاشت.

یک نفر ارمنی ایرانی به نام کتابچی خان که در آن موقع متصدی اداره گمرک بود مقاله مزبور را خوانده و چون در مسافرت خود به نقاط غرب از آثار سطحی نفت مطلع شده بود مطمئن شد که منابع مهم نفت در ایران وجود دارد. کتابچی خان سفری به پاریس رفت و در آن جا نظر به سابقه دوستی با سر هانری دروموند ولف (Sir H. Drummond Wolff) که چندی قبل از آن تاریخ سمت وزیر مختاری انگلیس را در ایران داشت ملاقاتی نمود. ضمن این ملاقات کتابچی خان به مقاله دومرگان اشاره کرد و مشاهدات شخصی خود را درباره وجود نفت متذکر گردید و از سر دروموند ولف تقاضا کرد که وسایل آشنایی او را با سرمایه داران انگلیسی فراهم نماید تا مطلب را با آنها به میان گذارد و از آنها دعوت کند که برای استخراج نفت ایران اقدام نمایند. سر دروموند ولف که خود چند سال وزیر مختار انگلیس در ایران بود اطلاعاتی راجع به منابع نفتی ایران داشت و به کتابچی خان وعده اقدام داد و از پاریس عازم لندن شد که در آن جا با سرمایه داران وارد مذاکره شود. در لندن سر دروموند ولف با شخصی به نام ویلیام ناکس داریسی (William Knox D'Arcy) آشنا شد و او را تشویق نمود که سرمایه خود را برای استخراج نفت ایران به کار اندازد...

در چنین موقعی بود که سر دروموند ولف با داریسی آشنا شد و درباره نفت ایران با او مذاکراتی نمود. نتیجه این مذاکرات این شد که سر دروموند ولف کتابچی خان را به لندن خواست و او را با داریسی آشنا نمود. کتابچی خان شرح و بسط زیادی راجع به منابع نفت ایران برای او داد و نوشته های دومرگان را شاهد آورد. داریسی تصمیم گرفت که زمین

شناس مطلع و کارآموده ای را انتخاب و به ایران اعزام دارد تا در این باره گزارش جامعی به او بدهد.... متخصصین پس از مطالعه در محل گزارش رضایتبخشی داده و گفتند که کشف نفت در حوالی قصر شیرین و شوشتر بسیار محتمل و در نقاط دیگر هم امید بسیاری می رود.

در ۱۹۰۱ داری نماینده ای به اسم ماریوت (Marriot) به معیت کتابچی خان به تهران اعزام داشت که با دولت داخل مذاکره شده و امتیازی تحصیل نمایند. ضمناً ماریوت سفارشنامه ای از سر دروموند ولف برای وزیر مختار انگلیس که در آن وقت سر آرتور هاردینگ (Sir Arthur Hardinge) بود همراه داشت که همه نوع مساعدت با او بنماید. وزارت خارجه انگلیس به هاردینگ دستور کلی داده بود که هنگام مأموریتش در ایران کوشش بسیار نماید که امتیاز نفت نواحی جنوب ایران را برای یکی از اتباع انگلیس تحصیل کند و به قسمی رفتار نماید که موجب تحریک روسها هم نشود. موقعی که سفارشنامه سلف او رسید، هاردینگ موقع را مغتنم شمرده و به اقدام پرداخت و به نماینده داری توصیه نمود که پنج ایالت شمالی را جزو پیشنهاد خود منظور ندارد تا از اعتراض روسها کاسته گردد.

ماریوت و کتابچی خان پس از ورود به تهران پیشنهادی تنظیم کرده و به مظفرالدین شاه تسلیم نمودند و او هم که کاملاً تحت نفوذ سیاست روس قرار گرفته بود بی درنگ از قبول آن امتناع نمود.

در این وقت هاردینگ دخالت نموده و به ملاقات اتابک (امین السلطان) رفت و از او تقاضای مساعدت نمود و ضمناً به ماریوت دستور داد که مواعید لازمه را به متصدیان امر داده و آنها را به نحو مطلوب تطمیع نماید.

به شرحی که سر آرتور هاردینگ در کتابی موسوم به «یک دیپلمات در شرق» (*A Diplomat in The East*) نوشته است اتابک اعظم توانست سفارت روس را فریب بدهد. در نتیجه امتیاز داری به صحنه شاه و امضای اعضای دولت او رسید».

مصطفی فاتح در این باب به سه موضوع دیگر نیز اشاره کرده است:

«هنگامی که امتیاز نفت به داری داده شد دولت انگلیس ادعا نمود که دخالتی در تحصیل امتیاز مزبور نداشته است، ولی گفته ها و نوشته های دیپلماتهای انگلیسی این ادعا را باطل می سازد.

نکته ای که نباید از نظر دور داشت و از روی کمال بیطرفی باید به اذعان آن پرداخت، این است که هنگام اعطای امتیاز داری نه امتیاز گیرنده و نه امتیاز دهنده از آینده نفت

ایران اطلاعاتی داشت و پیشرفتهای علمی برای کاوش نفت هم به پایه امروز نرسیده بود که وجود نفت را تا حدی بتوان پیش بینی نمود و اعتمادی به آن داشت. امتیازنامه، پیشنهادی بود که یک سرمایه دار ماجراجوی خارجی به دولت داده و حاضر شده بود که مبلغی از سرمایه خود را به خطر اندازد تا شاید استفاده کلانی از آن بنماید و اولیای دولت هم بدون اطلاع از چگونگی امر و بدون دقت و رسیدگی درباره شرایط پیشنهاد، آن را به صحنه شاه که در آن وقت صاحب اختیار مطلق بود رساندند....

امتیازنامه داری دارای صحنه شاه و امضاء و مهر اتابک و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله (پدر حسن پیرنیا مشیرالدوله و حسین پیرنیا مؤتمن الملک) و نظام الدین غفاری مهندس الممالک است و در دفاتر دیوانی به ثبت و ضبط رسیده است.

به موجب فصول هشتم و نهم و شانزدهم امتیازنامه، داری تعهد کرده است که در ظرف مدت دو سال پس از عقد امتیازشرکتی برای بهره برداری از امتیاز مزبور تشکیل دهد و پس از تشکیل شرکت بیست هزار لیره نقد و معادل بیست هزار لیره سهام پرداخت شده شرکت مزبور را به دولت ایران تسلیم نماید. البته ذکر از سایر وجوهی که نماینده داری هنگام مذاکرات در تهران خرج کرده و مواعیدی که داده بود در جایی نشده است. فقط آنچه بعدها محقق و معلوم شد این بود که کتابچی خان حق دلالتی خوبی از این معامله برد و توانست برای خود و اولادش زندگانی با رفاهی در اروپا تهیه نماید و به قراری که جراید صدر مشروطیت به کرات ذکر کرده اند نماینده داری در حدود ده هزار لیره هم به اتابک و مشیرالدوله و مهندس الممالک نقد پرداخت و شاید مخارج دیگری هم کرده است که اطلاع دقیقی از آن در دست نیست.

پس از آن که داری اولین شرکت را تشکیل داد و طبق مواد امتیازنامه بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره سهام به دولت ایران تسلیم نمود، معلوم شد که جزء تعهدات خصوصی او این بوده است که سهامی معادل ده هزار لیره به اتابک و پنج هزار لیره به مشیرالدوله و پنج هزار لیره هم به مهندس الممالک به عنوان تعارف تسلیم نماید و اطلاع صحیحی در دست می باشد که داری به تمام تعهدات خود عمل کرد و سهام مزبور را به اشخاص نامبرده تسلیم نمود...»*

ب- امتیازنامه چغندر و نفت و موم طبیعی معدنی*

* مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۸ (چاپ اول، ۱۳۳۵)، ص ۲۵۰-۲۵۴.

* به نقل از: ابوالفضل لسانی، طلای سیاه یا بلای ایران، تهران، چاپ مهر، (تاریخ چاپ ندارد، احتمالاً در حدود

مابین دولت اعلیحضرت شاهنشاهی از یک طرف و ویلیام ناکس داریسی راتیه شهر لندن نمرة ۴۲ گرس ونر (من بعد در تمام امتیازنامه به جای اسامی و محل توقف و غیره مختصراً صاحب امتیاز قید خواهد شد) از طرف دیگر موافق این امتیازنامه تفصیل ذیل مقرر شده است:

فصل اول - دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران به موجب این امتیازنامه اجازه مخصوصه به جهت تفتیش و تفحص و پیدا کردن و استخراج و بسط دادن و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات ذیل که عبارت از گاز طبیعی و نفت و قیر و موم طبیعی باشد در تمام وسعت ممالک ایران در مدت شصت سال از تاریخ امروز اعطاء می نمایند.

فصل دوم - صاحب این امتیاز دارای حق الانحصار کشیدن لوله های لازمه از سرچشمه های نفت و قیر و غیره تا خلیج فارس و کذلک شعبات لازمه لوله های فوق به جهت توزیع و تقسیم نفت به جاهای دیگر خواهد بود و کذلک حل [کذا] بنای چاههای نفت و حوضها و محل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم و تأسیس کارخانه و غیره از هرچه که لازم باشد خواهد داشت.

فصل سوم - دولت علیه ایران اراضی بایرة خود را در جایی که مهندس صاحب امتیاز به جهت بنا و تأسیس کارهایی که در فوق مذکور است لازم بداند مجاناً به صاحب امتیاز واگذار خواهند کرد و اگر آن اراضی دایره باشند صاحب امتیاز باید آنها را از دولت به قیمتی عادلانه خریداری نماید و دولت علیه به صاحب امتیاز نیز حق می دهد که اراضی و املاک لازمه را به جهت اجرای این امتیاز از صاحبان ملک به رضایت آنها ابتیاع نماید و معلوم است که این ابتیاع موافق شرایطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز و مالکین ملک مقرر خواهد شد. ولی صاحبان املاک مجاز نخواهند بود که از قیمت عادلانه اراضی واقعه در حول و حوش تجاوز نمایند.

جاهای مقدسه و جمیع متعلقات آنها در دایره ای که دویست ذرع شعاع آن باشد مجزی و مستثنی می شوند.

فصل چهارم - چون معادن نفت شوشتر و قصر شیرین و دالکی بندر بوشهر که بالفعل دایره و مبلغ دو هزار تومان جمع دیوانی دارند و متعلق به دیوان همایون اعلی می باشند شرط شد که آنها را نیز دولت به موجب فصل اول به صاحب امتیاز واگذار نماید مشروط بر این که علاوه بر صدی شانزده مذکور در فصل دهم که باید به دولت برسد، صاحب امتیاز همه ساله دو هزار تومان جمع حالیه معادن مذکوره را نیز به دولت کار سازی دارد.

فصل پنجم - طرح ریزی و نقشه کار گذاشتن لوله ها به توسط مهندسين صاحب امتياز و يا خود او خواهد بود.

فصل ششم - قطع نظر از آنچه در فوق ذکر شد اين امتياز شامل ولايات آذربايجان و گيلان و مازندران و خراسان و استرآباد نخواهد بود. ولي به شرط اين که دولت عليه به هيچ کس اجازه ندهد که لوله های نفت به طرف رودخانه و سواحل جنوبي ايران تأسيس نمايند.

فصل هفتم - تمام اراضی که به صاحب امتياز واگذار شده و همچنين اراضی که صاحب امتياز به موجب فصل سيم استملاک خواهد کرد و همچنين تمام محصولات آنها که به خارجه حمل شود از هر نوع ماليات و عوارضی در مدت اين امتيازنامه معاف خواهد بود و تمام اسباب و آلات لازمه برای تفتيش و تفحص و استخراج معادن و بسط آنها و کذلک به جهت تأسيس لوله ها در وقت دخول به ايران به هيچ وجه من الوجوه حقوق گمرک را نخواهد پرداخت.

فصل هشتم - صاحب امتياز مکلف است که بدون تعلق و تأخير به خرج خود یک يا چند نفر را از اهل خبره به ايران به جهت تفتيش صفحاتی که صاحب امتياز احتمال وجود معادن مزبوره را در آنها می برد بفرستد و در صورتی که راپورتهای آن اشخاص خبره به عقیده صاحب امتياز کافی باشد، صاحب امتياز مکلف است که بدون تأخير و به خرج خود اجزای علمی لازمه با اسباب و آلات و ادوات استخراج به جهت تعميق و کندن چاهها و امتحانات لازمه بفرستد.

فصل نهم - دولت عليه ايران به صاحب امتياز اجازه می دهد که یک يا چند شرکت به جهت انتفاع از آن امتياز تأسيس نمايد. اسامی و نظامنامه آن شرکتها به توسط صاحب امتياز معين خواهد شد مشروط بر اين که در ايجاد هر شرکتی صاحب امتياز ان ايجاد را رسماً به توسط کميسر به دولت اطلاع بدهد و نظامنامه آن شرکت را با تعيين محلی که شرکت مزبور بايد در آن جا کار کند به دولت اظهار دارد و مديرهای شرکتها نیز به توسط او انتخاب خواهند شد. اين شرکت يا آن شرکتها تمام حقوق صاحب امتياز را خواهند داشت ولی از طرف ديگر آنها بايد تمام تعهدات و مسؤوليت صاحب امتياز را نیز در عهده خود گيرند.

فصل دهم - بين صاحب امتياز از یک طرف و شرکتی که تشکيل کند از طرف ديگر، قرارداد خواهد شد که یک ماه بعد از تاريخ تأسيس رسمی شرکت اول، صاحب امتياز مکلف است مبلغ بيست هزار ليره انگلیسی نقداً و بيست هزار ليره ديگر اسهام پرداخته شده به دولت عليه بدهد. علاوه بر آن شرکت و تمام شرکتهايی که تأسيس خواهند

شد مکلف خواهند بود که از منافع خالص سالیانه خود صدی شانزده به دولت علیه سال به سال کارسازی نمایند.

فصل یازدهم - دولت علیه مختار است که یک نفر کمیسر معین نماید که آن کمیسر طرف شور صاحب امتیاز و مدیران شرکتها خواهد بود و محض خبر این تأسیس هرگونه اطلاعات مفیده داشته باشد به آنها داده همه نوع راهنمایی به آنها خواهد کرد و محض حفظ حقوق دولت متفقاً با صاحب امتیاز هرگونه تفتیشی که مفید بداند به عمل خواهد آورد. حقوق و مشاغل کمیسر دولتی صریحاً در نظامنامه شرکتی که تشکیل شود معین خواهد گردید. صاحب امتیاز همه ساله ابتدا از تاریخ تشکیل شرکت اول مبلغ هزار لیره انگلیسی به کمیسر دولتی حق خواهد داد.

فصل دوازدهم - عمله و فعله که در تأسیسات فوق کار می کنند باید رعیت شاهنشاه باشند به استثنای اجزای علمی از قبیل مدیر و مهندس و عماق و مباشرین.

فصل سیزدهم - در تمام جاهایی که مدلل شود که اهالی محلیه حالا از نفت آنها متمتع می شدند شرکت باید به آنها مجانی همین مقدار نفت را که اهالی سابقاً جمع می کردند حالا هم بدهد. این مقدار به اظهار خود آنها و به تصدیق حکومت محلیه معین خواهد شد.

فصل چهاردهم - دولت علیه متعهد می شود که اقدامات لازمه در حفظ امنیت و اجرای مقصد این امتیاز و اسباب و آلات و ادوات مذکوره در فوق به عمل آورد و کذلک نماینده ها و اجزای علمی و وکلای شرکت را در تحت حمایت مخصوصه خود گیرند و چون دولت علیه این تکالیف خود را اداء کرد، صاحب امتیاز و شرکتهای تشکیل شده دیگر به هیچ اسم و رسم حق مطالبه خسارت از دولت علیه ندارند.

بعد از انقضای مدت معینه این امتیاز تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجوده شرکت به جهت استخراج و انتفاع معادن متعلق به دولت علیه خواهد بود. شرکت حق هیچ گونه غرامت از این بابت نخواهد داشت.

فصل شانزدهم - اگر در مدت دو سال از تاریخ این امتیازنامه صاحب امتیاز نتواند شرکت اولی مذکوره در فصل هشتم را تأسیس نماید این امتیاز از درجه اعتبار به کلی ساقط است.

فصل هفدهم - در صورتی که مابین طرفین متعاهدین منازعه و اختلافی در تأویل و ترجمه این امتیازنامه و کذلک در باب حقوق مسؤولیت طرفین مشاجره ای اتفاق افتد، حل مشکل و مسأله در تهران به دو حکم رجوع خواهد شد و آن دو حکم به توسط طرفین معین خواهند شد و نیز آن دو حکم قبل از مبادرت به مرافعه، حکم ثالث را معین خواهند کرد.

حکم آن دو حکم و یا در صورتی که حکمین مزبورین متفق نشوند حکم حکم ثالث قطعی خواهد بود.

فصل هیجدهم - این امتیازنامه در دو نسخه به فرانسه نوشته شده و به همان مضمون به فارسی ترجمه شده است. اگر اختلافی در مضمون این امتیازنامه مابین دوزبان حاصل شود متن فرانسه اولویت دارد و به آن متن باید رجوع کرد. ملاحظه شد صحیح است فی شهر اودئیل در صاحبقرانیه ۱۳۱۹.

امتیازنامه موم و نفت طبیعی معدنی ست که به شرف امضای مقدس سرکار بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی رسیده است علی اصغر (محل مهر اتابک اعظم).

این امتیازنامه موم و نفت معدنی که به شرف امضای اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه رسیده است. در وزارت امور خارجه دولت ایران ثبت شد در نمره ۸۲۹ - فی شهر صفرا المظفر اودئیل ۱۳۱۹ محل امضا و مهر مشیرالدوله.

این امتیازنامه که در دو نسخه به فرانسه نوشته شده و مبادله گردیده است هر دو نسخه به دستخط مبارک شاهنشاهی ارواحنا فداه موشح و به دستخط و مهر حضرت اشرف اتابک اعظم و خط و مهر جناب مشیرالدوله وزیر امور خارجه مزین شده اند. فی ۹ شهر صفر المظفر اودئیل ۱۳۱۹ محل مهر نظام الدین وزیر معادن.

دوره اول مجلس شورای ملی و قرارداد داری

هنگامی که در سال ۱۲۸۰ خورشیدی امتیازنامه داری به توشیح مظفرالدین شاه قاجار و امضای صدراعظم و دو تن از وزیران او رسید، هنوز از مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی خبری نبود و در نتیجه مردم خبر نداشتند که شاه ایران و وزیرانش سراسر کشور ایران را، به جز چهار ایالت شمالی (آن هم به پیشنهاد وزیر مختار انگلیس به منظور جلوگیری از اعتراض دولت روسیه)، به منظور کشف و استخراج و فروش نفت و... در برابر حق الامتیاز اندک به مدت ۶۰ سال به یک خارجی واگذار کرده اند. مردم ایران از دیگر قراردادهای امتیازهای ایران بر باد دهی که به سود دو دولت انگلیس و روسیه به توشیح پادشاهان قاجار رسیده بود نیز بی اطلاع بودند.

اما همین که نخستین دوره مجلس شورای ملی - تقریباً همزمان با شروع عملیات شرکت نفت - تشکیل گردید، عده ای که نسبت به امتیاز داری سوء ظن شدیدی داشتند، در صدد برآمدند که از چگونگی آن آگاه گردند. پس برای نخستین بار مسأله نفت و امتیازنامه داری در جلسه پنجم ذیحجه ۱۳۲۴ (مطابق با ۱۲ دی ماه ۱۲۸۴ شمسی)

مجلس شورای ملی مورد بحث قرار گرفت و نمایندگان از وزیر معادن خواستند که امتیازنامه را به مجلس بیاورد و توضیحاتی راجع به آن بدهد تا معلوم گردد که قضیه از چه قرار بوده است. وزیر معادن در مجلس حضور یافت و به پرسشهای نمایندگان پاسخ داد. گمان نکنید که در این جلسه مطالب اساسی مطرح شده بوده است، خیر، نمایندگان و دولتیان هیچ یک از موضوع نفت اطلاع چندانی نداشتند. مع هذا وزیر معادن در جواب یکی از نمایندگان که گفته بود در قرارداد تقلباتی شده است، جواب داد: «اگر این گونه تقلبات نبود ملت برای چه مجلس را ایجاد می کرد. این مجلس برای برداشتن همین خرابیهاست...» یا «برای همین عیوبات بود که این مجلس تشکیل شد. برگزیده ها اعتراضی نیست. ان شاء الله از این به بعد ترتیب صحیح خواهد بود». سؤالا و اعتراضها محدود بود به این که چرا بر طبق امتیازنامه که قرار بوده است عملة جات همه ایرانی باشند، عده ای عملة خارجی به کار گماشته شده اند؟ چرا در امتیازنامه نوشته شده است «که هر گاه میان نسختین فرانسه و فارسی [امتیازنامه] اختلافی پیدا شد» اولویت با نسخه ای است که به زبان فرانسه است؟ به این موضوع نیز اعتراض شد که چرا کلمات «کمیسر» و «کمسیون» و «کمپانی» را به کار می برند. خوب است فارسی آنها را بگویید. یکی دیگر از نمایندگان پرسید در صندوقهایی که از قصر شیرین به خارجه برده اند چه بوده است؟ می گویند: خاک همان معادن بوده است که برای امتحان برده اند.*

۲ - تقی زاده و قرارداد ۱۳۱۲

دکتر مصدق در مجلس چهاردهم ضمن انتقاد از قرارداد ۱۳۱۲، سیدحسین تقی زاده وزیر مالیه وقت را - به خصوص از نظر تمدید مدت قرارداد - به شدت مورد حمله قرار داد. تقی زاده که در آن هنگام در خارج از ایران به سر می برد، در پاسخ دکتر مصدق اظهار نظری نکرد. ولی در مجلس پانزدهم که به نمایندگی انتخاب شده بود، در جواب عباس اسکندری سخنانی گفت که ذیلا از نظرتان می گذرد. عباس اسکندری ضمن آن که دولت ساعد را پیرامون قرارداد نفت مورد استیضاح قرار داد و پیشنهاد کرد قرارداد نفت ۱۳۱۲ الغاء گردد، تقی زاده را نیز به مناسبت امضای آن قرارداد مورد انتقاد شدید قرار داد. تقی زاده در جواب اسکندری از ماجرای آن قرارداد پرده برداشت با قید این که آنچه می گویم

* مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۸ (چاپ اول ۱۳۳۵)، برای صورت کامل

«عین حقیقت و تمام حقیقت است (نه قسمتی از آن) و هیچ چیزی جز حقیقت در آن نیست».

متأسفانه بیشتر کسانی که در نوشته های خود به نطق تقی زاده - به منظور حمله به او - اشاره کرده اند، فقط به عبارت «آلت فعل» که تقی زاده در سخنان خود به کار برده است پرداخته اند، و مطالب مهم سخنرانی او را نادیده گرفته اند.

موضوع قابل توجه آن است که قرارداد ۱۳۱۲ در زمان رئیس الوزرای حاج مخبرالسلطنه هدایت به تصویب رسید و دولت لایحه مربوط به آن را در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۲ به مجلس تقدیم کرد و قرارداد به تصویب مجلس شورای ملی نیز رسید. معلوم نیست چرا محققان ما - به تقلید از دکتر مصدق - در این امر از مسؤولیت مشترک وزراء، و از نمایندگان مجلس که قرارداد را تصویب کردند سخنی به میان نیاورده اند و لبه تیز حمله همه آنها سالهاست که متوجه سید حسن تقی زاده است.

و اما سخنان تقی زاده در جلسه ۱۳۸ دوره پانزدهم مجلس شورای ملی مورخ ۷ بهمن ۱۳۲۷:

«چون ناطق محترم [عباس اسکندری] از گاهی به گاهی هم علاقه خاصی به کار نفت و هم نظر مخصوصی به بنده نشان داده اند و در این نطق اخیرشان باز چند بار اسم بنده را بردند، می خواهم چند کلمه به اختصار راجع به مسأله ای که مورد علاقه ایشان واقع شده و البته بیانات مشروح ایشان و دیگران را هم لابد جلب تواند کرد عرض کنم.

بنده اصلاً قصد نداشتم جوابی به بعضی اظهارات که در این جا شده بدهم و خود اعتراف دارم که شاید اصلح آن بود که هرگز کلمه ای هم نگویم و در جزو گناهکاران تزییع وقت مرکز امور مملکت در نیایم و شاید هم حتی بعضی اشخاص عاقل بعد بنده را ملامت کنند که چرا اصلاً جوابی دادم چنان که پریروز یکی از عقلا و اختیار نامدار مجلس همین نصیحت را کتباً به من داد، لکن تنها بیم آن که شاید بعضی اشخاص بیغرض و ساده به ضلالت بیفتند، همین چند کلمه را محض همین نکته می گویم معذک هم اکنون هیچ گونه جوابی یا مقابله ای نسبت به آنچه خارج از حدود آداب بدانم نمی دهم و نمی کنم و اگر چه بنده با همان شیمه استقامت و شهامتی که همیشه خصلت من بوده با هیچ گونه هوو جنجال از میدان در نمی روم و می توانم با بیش از آن مقابله و حمله کنم این کار را شایسته خود نمی دانم.

اگر کسی با سبکی و برخلاف ادب ورقه ای پیش من بفرستد که من امضاء کنم که مسلمان هستم، با آن که مسلمانم هیچ وقت با ارعاب و ارهاب کسی که خارج از حدود صلاحیت خویش آن ورقه را با پیشخدمتی نزد من می فرستد به حکم او امضاء نمی کنم و

نخوانده بر می گردانم. حالا فقط نسبت به آنچه راجع به خودم است جواب مختصری می دهم و با حرفهای دیگر ایشان که قسمت اعظم آن پاک افسانه بوده و بس (مانند داستان موهوم فراماسونی و حمله به اشخاص صالح درجه اول این مملکت (صحیح است) که از ابرار و اخیار این مملکت هستند (صحیح است) یا قصه های جن و پری دیگر) کاری ندارم و نیز باید بگویم که هم اکنون باز خیلی تأسف دارم که مجبور به عرض مطالبی شده ام که شاید با همه اجمال ناگفتنش در ملاء علنی بهتر و با مصلحت مملکت موافقتر بود...

مسأله نفت جنوب ایران و امتیاز معروف داری و امتیازنامه جدید ۱۶ سال قبل، خود موضوعی ست مملکتی و دخالت یک نفر از افراد ضعیف مثل بنده در آن و میزان دخالتش باز موضوع دیگری ست که هر دو باید جدا جدا مورد دقت و مطالعه قرار داده شود. پس از عودت بنده به ایران از مأموریت ملی که افتخار نمایندگی این مملکت را در خارجه داشتم و به قدر مقدور برای حفظ حقوق و منافع ایران مستمراً کوشیدم از گاهی به گاهی بعضی از آقایان محترم و دوستان به بنده تذکر دوستانه دادند که خوب است شرحی از ماجرای امتیاز نفت به واسطه آن که در آن موقع شاهد آن بوده ام بیان کنم.

این جانب با وجود دلایل و موجبات بسیار قوی و بلکه اقوی که چنین بیانی را اقتضا می کرد و شاید دفاع از منافع و حیثیت شخصی من نیز مستلزم آن می شد تا حال به دلایل دیگری که قویتر می پنداشتم خودداری نمودم زیرا که موافق مصالح و منافع مملکت نمی دانستم و هنوز هم نمی دانم و لذا با هرگونه فداکاری شخصی که این خودداری مستلزم آن است فعلاً نیز مصلحت ملک و ملت را در بیاناتی علنی در این باب نمی دانم و به همین جهت هم قصد عرض همه ماجرا را در این جا ندارم. ولی این را باید بگویم که هیچ وقت مضایقه نداشته و ندارم کلیه آنچه که بر من معلوم است بدون کتمان یک نقطه و یک حرف به هر شخص بی غرض خیرخواهی کاملاً و تماماً و به نحو مستوفی و اشباع به طور خصوصی بیان کنم و حتی بالاتر از این به هر هیأتی هم باز از اشخاص بی غرض که در یک محفل خصوصی و غیر رسمی حضور به هم رسانند و یا آقای رئیس مجلس که در بی غرضی و صفای ضمیر ایشان شکی ندارم (صحیح است) چنین هیأتی را تعیین فرمایند محض رفع هرگونه توهم و حتی ادنی شبهه کاملاً شرح بدهم و حاضرم قبل از شروع به بیان مطلب در آن محفل به طریقی که آیین ما اقتضا دارد یعنی به ایمان مغلظه و استشهاد خداوند و قرآن شنوندگان را مطمئن کنم که آنچه گفته می شود به اصطلاح معروف محاکم فرنگستان «عین حقیقت و تمام حقیقت است (نه قسمتی از آن) و هیچ چیزی جز حقیقت در آن نیست». تا حال من به سه یا چهار نفر از آقایان محترم هم به طور خصوصی شرح لازم در این باب عرض

کرده ام. آنچه حالا می خواهم به اجمال یک بار خدمت همکاران محترم که اکثریت عظیم آنان نسبت به شخص من جز حرمت و محبت صمیمی و لطف خالصانه تا امروز چیزی نشان نداده اند در این موضوع چیزی عرض کنم، هم از آن جهت است که شاید انتظاری طبیعی و به حق و از راه خیرخواهی به بنده برای این امر داشته باشند نه بر اثر انتقادات و حملات که به آنها هیچ وقت رویه من جواب دادن نبوده و نیست و حتی گاهی می شنوم که بعضی از جراید نیز شرحهایی در این موضوع با ذکر اسم بنده نوشته اند ولی بنده آن روزنامه ها را ندیده ام و فرصت به دست آوردن و خواندن همه جراید را نمی کنم. در موضوع خود نفت بنده با قسمتی از آنچه ناطق محترم فرمودند معارضه ای ندارم و اگر هم در قسمت زیادی دیگر از آن اطلاعات ایشان ناقص بوده یا مبنی بر اساس معتمد و صحیح نیست و یا مأخذشان بی اعتبار بوده باز چون همه اظهارات ایشان را در آن قسمت بر حسن نیت حمل می کنم قصد محاجه ای در آن باب ندارم. مطالب تاریخی را باید همیشه با زمان و مکان و احوال مقارن آن سنجید و همان طور که اگر یک جمله را از وسط یک بیانی بیرون کشیده آن را مورد تصدیق یا انتقاد قرار بدهید ممکن است به خطا بیفتد. عرض کنم مثل همین جمله ای را که خواندند و نگفتند که چی نوشته بودند که من این جواب را دادم. ایشان اولین دفعه ای که به مجلس آمدم یک شرح خیلی مهربان آمیزی نوشتند که آخرش هم یک شعر نوشته بودند که از گذشته بگذریم و بر فلان و فلان چون من هیچ دردل ندارم، نوشتم که من هیچ نظری ندارم و امیدوارم که تذکرات شما مورد استفاده قرار گیرد. اما حالا معلوم شد که این یک سندی ست و کلیشه هم شده است همان قسم هم نمی توان یک واقعه تاریخی را که در زمان خاصی وقوع یافته با موازین امروز محاکمه کرد. اعظم وقایعی که در سی سال اخیر بلکه در یک یا دو قرن اخیر در این مملکت اتفاق افتاد ظهور شخص با اقتداری بود که درجه تسلط و قدرت او بر همه چیز این مملکت و حتی نفوس و اموال و اعمال مردم آن روز به روز تزايد گرفت و عاقبت به جایی رسید که اگر آقایان محترم دور از آن زمان بودند من در یک روز تمام صحبت هم قادر بر تصویر کامل آن نمی شدم. آن شخص اقدامات و اعمال خوب زیادی داشت و قطعاً وطن دوست و خیرخواه این مملکت بود (صحیح است) لیکن این صفات خوب بر حسب ضعف طبیعت بشری با بعضی نقصهای تأسف آمیز که جز گرفتاری طبیعی و عدم شمول عنایت و توفیق الهی نامی بدان نمی توانم بدهم و ضمناً با بعضی اشتباهات هم توأم بود، و من نمی خواهم نه از آن نقائص محدود و نه از آن اشتباهات که در مقابل اعمال عظیمه و تاریخی و شایسته تحسین ابدی او نسبة جزئی بود حرف بزنم. خداوند او را رحمت کند و از هر تقصیر هم که داشته بگذرد. ما در گذشته هم مردان بزرگی

داشتیم که صیت کارهای بزرگ و مفید آنها هنوز باقی و بعضی جاودانی ست ولی نقصهای آنها و حتی بعضی تقصیرهای بزرگشان یا فراموش شده و یا از ذکر آنها خودداری می کنیم و چشم می پوشیم (صحیح است). من این جمله را به اقتضای حکم وجدان و انصاف عرض کردم نه برای خوشامد ستایشگران واقعی یا صوری یا غیر صمیمی آن مرحوم. و خود می دانم که از طرف دیگر با گفتن این چند جمله حق و انصاف پرستانه جمعی دیگر از منتقدین اعمال وی را که مردم خوب و صالح هم در میان آنها کم نیست و به ناحق هم نیستند ناخشنود می کنم خصوصاً آنان را که مستقیماً صدمه دیده اند و از این طبقه اخیر با کمال خلوص عذر می خواهم و البته تصدیق دارم که یکی از نقائص بزرگ که لطمه بر نام بزرگ او وارد آورد همین افراط در سختگیری و صدمه زدن به کسانی بود که به جهتی از جهات حتی جهت خیلی جزئی از آنها ناراضی می شد و اگر این صدمه دیدگان توجه به این مطلب نمایند که من خود نیز مورد بی مهری ایشان شدم و اگر در دسترس بودم شاید مورد نظر همان صدمات شده بودم از من نمی رنجند که خویبها و نقصها هر دو باید به انصاف و بی مبالغه ذکر شود و برای سنجش حسنات و سیئات. شاه مرحوم به طور قطع و جزم مصمم بود که همه عهدنامه های نامطلوب و امتیازات خارجی و مداخلات خارجی را در حقوق و محاکمات اتباع خود در ایران و حتی هر نوع حقوق کهنه شده را مانند وجود دو قطعه خاک در شمیرانات خارج از حیطة قدرت و حکم دولت این مملکت فسخ و نسخ و باطل و ملغی سازد (صحیح است) و این کار را کاملاً به انجام رسانید تا آن که نماند از آنها جز امتیاز داری. پس اقدام به اصلاح آن امتیاز کرد تا حقوق ایران به طور مطلوب استیفا شود. این اقدام داستان خیلی درازی دارد و چند سال طول کشید و اسناد و اوراق آن در ضبط وزارت مالیه باید موجود باشد. عاقبت حوصله شاه تنگ شد و شاید تعویق کار را حمل بر ملاحظه می نمود و ضمناً میل نداشت حتی یک قید هم از قیود قدیمه به شکل سابق برای مملکت باقی بماند. یک روز بغتة مصمم شد امتیاز را فسخ کند و حکم برای این کار داد و واضح است که هم حکم او همیشه بدون تخلف و استثناء در یک ساعت اجرا می شد و هم در این مورد بالخصوص که بسیار و به اعلى درجه خاطرش متغیر بود احدی را یارای چون و چرا و نصیحت به او نبود. پس این کار اجرا شد. اگرچه اتخاذ این طریق به این نحو به عقیده وزرا و رجال خیر خواه ایران در آن زمان صحیح نبود و چنان که بعدها از نتیجه کار دیده شد یکی از اشتباهات بزرگ آن مرحوم در مدت سلطنت وی بود. منظورم این نیست که امتیاز داری بایستی به همان حال بماند، ولی ترتیب الغای آن به طور ناگهانی و بی مطالعه باعث بعضی زحماتی شد که این امتیازنامه جدید یا مواد نامطلوب آن محصول آن است.

موضوع منجر به شکایت کمپانی و حمایت دولت او و تقاضای حکمیت لاهه و تهدید از طرف ایران به شکایت از انگلستان به جامعه ملل و قبول آنها مراجعه امر را به جامعه و رفتن آقایان علاء و داور به ژنوشد و تا این جا کار با وزارت خارجه بود و اقدامات به وسیله مرحوم فروغی به عمل می آمد. در جامعه ملل کار به جایی نرسید و قبل از صدور حکمی در این باب وساطت و توصیه های مذاکرات مستقیم به میان آمد و چون دولت ایران گفته بود که الغای امتیاز به واسطه نامطلوب بودن شرایط آن بوده و حاضر خواهند بود با شرایط مطلوب و موافق منافع ایران امتیاز جدیدی (البته برای بقیه مدت امتیاز سابق) بدهند. حضرات به تهران آمدند تا سعی در حصول مقصود به این نحو نموده امتحانی بکنند و اگر توافق حاصل نشد باز به جامعه ملل برگردند و داوری بخواهند. مذاکرات در تهران با مأموریت چهار نفر برای این کار یعنی مرحوم فروغی، مرحوم داور و آقای علاء و این جانب جریان یافت پس از چند هفته مذاکرات توافقی در شرایط حاصل نشد لکن این نتیجه حاصل شد که اگر قدری گذشت از طرفین می شد طرح جدید به مراتب از امتیاز داری بهتری می شد. لکن وقتی که حضرات از توافق با مأمورین ایرانی واسطه مذاکرات مأیوس شدند، عزم عودت کردند و به شاه هم گفتند. در این وقت بود که وی ظاهراً از عاقبت کار اندیشناک شد و عزم بر میانه گرفتن شخصاً و سعی در کنار آمدن با حضرات کرد، و اگر هم با همان شرایطی که خود شرکت حاضر به قبول آنها شده بود و در واقع همان شرایط فعلی امتیازنامه فعلی بود (غیر از موضوع تمدید امتیازنامه) کار انجام می یافت، امتیازنامه جدید به مراتب مرجح بر امتیاز قدیم بود و اگر کسی غیر از این پندارد ناشی از اشتباه و قلت تدفیق و مطالعه است. لکن در روز آخر کار به ناگهانی صحبت تمدید مدت را به میان آوردند و اصرار ورزیدند و در مقابل هر نوع محاجه و مقاومت از طرف واسطه های ایرانی مذاکرات در منظور خودشان با فشاری و تهدید به قطع مذاکرات و حرکت فوری از ایران کردند و شد آنچه شد یعنی کاری که ما چند نفر مسلوب الاختیار به آن راضی نبودیم و بی اندازه و فوق تصور ملول شدیم و از همه بیشتر شخص من و پس از من (محض یاد خیر باید یگویم) مرحوم داور متأثر و متالم و ملول شدیم. لکن هیچ چاره نبود و البته حاجت به آن نیست که عرض کنم که چرا چاره نبود زیرا زمان نزدیک است و اغلب آقایان شاهد وقایع و وضع آن عهد بودند و حقیقت مسأله عیان است و حاجت به بیان ندارد و می دانند که برای کسی در این مملکت اختیاری نبود و هیچ مقاومتی در برابر اراده حاکم مطلق آن عهد نه مقدور بود و نه مفید. او هم ظاهراً از عاقبت کار اندیشه کرده و حاضر به عقب رفتن، و پس گرفتن حکم فسخ امتیاز سابق هم به هیچ وجه نبود و شق ثالث هم وجود نداشت و کسی نمی داند که در

صورت برگشتن طرفین به ژنوچه حکمی می شد و نتیجه چه بود. ولی باید عرض کنم که مقصود از این که گفتم چاره نبود تنها بیم اشخاص نسبت به خودشان نبود بلکه اندیشه آنها نسبت به مملکت و عواقب نزاع به آن کیفیت نیز بود زیرا که بیرون آمدن از مخمصه ای که به ظاهر بن بست می نمود سهل نبود و در صورت اکتفا به مقاومت منفی تنها با بیم زحماتی قرین بود و اصل نکته و همه جان کلام در این یک جمله اخیر است که میل ندارم زیاد شرح بدهم. و به قول معروف برای دل‌های بی غرض یک حرف بس است.

سر من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش بعضی را آن نور نیست

این چند کلمه را به طور اجمال گفتم و باز خودداری از توضیحات مفصل علنی دارم و آنچه هم قال و قیل شود محض ملاحظه شخص خود، مصالح مملکت را فدا نکرده و جوابی در جلسه علنی نخواهم داد. فقط همین قدر باید بگویم که تا آن جا که من می دانم و خدا نیز شاهد است اصلاً سوء نیتی از طرف هیچ کس یعنی هیچ ایرانی ابدأ نبوده است. اما موضوع دوم یعنی سهم بنده در این امر از اول تا آخر که شاید بعضی اشخاص خالی از بی غرضی در این قسمت بیشتر علاقه مند باشند تا به اصل موضوع اولی. باید عرض کنم که بنده در این کار اصلاً و ابدأ هیچ گونه دخالتی نداشته ام جز آن که امضای من پای آن ورقه است. و آن امضا چه مال من بود و چه من امتناع می کردم و مال کسی دیگر بود هیچ نوع تغییری را در آنچه واقع شد و به هر حال می شد موجب نمی شد، و امتناع یکی از امضاء، اگر اصلاً امتناعی ممکن بود در اصل موضوع یعنی انجام آن امر هیچ تاثیری ولو به قدر خردلی نداشت. (محمد حسین قشقای - در این صورت قرارداد قانونی نیست) (خسرو قشقای - صحیح است). بنده در این مورد هیچ عرضی ندارم منتهی این است که شاید خود عمل امضاء اضطراری قصور یا تقصیری شمرده شود و من عرض نخواهم کرد که امضاء جعلی است و کسی دیگر امضاء را عوض من گذاشته بلکه هر تقصیری در آن عمل بسیط غیر اختیاری باشد خداوند خواسته بود که آن تقصیر فرضی به جای آن سه نفر دیگر همراهان ما یا وزرای دیگر دامنگیر من شود و من خود شخصاً با اقرار به این که در صورت امکان بهتر بود ولو با فدای نفس هم باشد انسان از این تقصیر فرضی غیر اختیاری دور و بی دخالت در آن بماند فرق زیادی بین امضای قلمی اجباری و امضای قولی اجباری و امضای با ورقه سفید دادن در مجلس و تصویب اجباری صد نفر اشخاص محترم که وکیل ملت نامیده می شدند نمی بینم و اوضاع وقت با زبان صریح حقیقت را به تاریخ آینده خواهد گفت و فرق بین اختیار و اجبار و اضطرار را ثبت خواهد نمود و هم مشکل مملکتی که پیش آمده بود و کار را اضطراری ساخته بود معلوم خواهد شد.

من شخصاً هیچ وقت راضی به تمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بود که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد. او خود هم راضی به تمدید مدت نبود و در بدو اظهار این مطلب از طرف حضرات رو به روی آنها به تحاشی و وحشت گفت: «عجب، این کار که به هیچ وجه شدنی نیست، می خواهید که ما که سی سال بر گذشتگان برای این کار لعنت کرده ایم بنجاه سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم». ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد. این دخالت منحصر به امضای غیر اختیاری و بدون رضا و با نداشتن هیچ سهمی در کار مطلقاً و اصلاً و ابداً البته خیلی فرق دارد با چنین بدگمانیها و اسنادات جاهلانه یا مغرضانه (صحیح است) که جلوه داده شد که من از ابتدا عامل و مدیر و مدبر و طرح ریز عمدی این کار بوده و سعی در حصول چنان امری کرده یا خیالش را در خاطر پرورانده بودم تا چه برسد به آن که با وسوسه شیطان مرا عامل اصلی یا عمده نشان بدهند. این حملات هیچ وقت از روی فهم و خلوص نیت و وجدان و بی غرضی واقع نشده و فقط اگر نقشه های عمده در امری بوده در همین قصد تزییع اشخاصی بوده است که عدم دخالتشان بایستی بدیهی باشد. ولی در آخر مطلب می خواهم دو نکته مختصر نیز بگویم و ختم کلام کنم. یکی آن که گذشته از هر چیز و هر پیشامدی سعی در ضایع کردن و لطمه زدن بر کسانی که تمام عمر را بدون انقطاع به نیت خیر گذارند [کذا] و عمری را با قصد خدمت خالصانه به مملکت به سر برده اند حتی اگر هم سهو و اشتباهی از آنها سر زده باشد در مصلحت این مملکت و مطابق منافع عالیة ملک و ملت نیست (صحیح است). این امر را برای ترکیه نفس نمی گویم که خود را گوهری بدانم نایاب در بازار جواهریان بلکه شبه نیز در بازار مبتلا به قحط بی ارزش نیست. و این فقط برای مصلحت مملکت می گویم. مرحوم فروغی اگر هم تقصیر یا خطایی داشته (که به عقیده من هیچ نداشت) در گرانها و عدیم النظیری بود (صحیح است) که آن تقصیر موهوم در آینده به همه حال قابل اصلاح و جبران بود. ولی کشتن ناجوانمردانه آن رادمرد خدمتگزار با هزاران گونه طعن و توهین و ناسزا تا صد سال دیگر قابل جبران نیست. من چهل و دو سال و دو ماه قبل در این بنا برای خیر ملت اولین بار حرف زدم و پس از زمان کوتاهی دیگر راهی در این محوطه نخواهم داشت و شاید در دنیا هم نخواهم بود و بنابراین، این عرایض من حکم آخرین فریاد یک خیرخواه حقیقی و صمیمی این ملت را دارد که می توان مانند نصیحتی خالصانه به جوانان مملکت که مصداق فی قلوبهم زیغ نیستند تلقی شود و هم آخرین جوابی است که به این حملات می دهم. دوم آن که اگر قصد حقیقی با خلوص نیت استیفای کامل حقوق ایران و به دست آوردن گمشده ای باشد راهش این

نیست که گاهی پیش گرفته می شود و با آن که ابراز احساسات و عقاید ملت و وکلاء باعث قوت دولت شده دست او را در مذاکرات قوی تواند کرد و از این حیث مفید تواند شد، حمله به دولت و برپا کردن هو و جنجال در موقعی که ظاهراً مذاکراتی در پیش است و امید کامیابی قبلاً مفقود نیست شاید جز زیان به مقصود نتیجه ای نداشته باشد، آنچه می خواهید، بگوئید، و بعد پشت دولت بایستید و سعی کنید کامیاب شوید. هر روز برای این کامیابی به خلوص دعا کنید و عاقبت وقتی که نتیجه مذاکرات مقدماتی به حضورتان عرضه شد، اگر نپسندید رد کنید و پیشنهاد بهتری بدهید نه آن که از ابتدا مطلب را به دست غوغا بدهید که مضر تواند شد.

این را هم بگویم که آنچه من امروز عرض کردم شاید هم بر وفق مقتضای بعضی ملاحظه کاریها نبود ولی بر طبق صداقت کاملی بود که همیشه روش من بوده است و من چنان که عرض کردم شخصاً همین اندازه را هم راضی نبودم در جلسه علنی بگویم اما برای رفع توهمات بی اساس چاره ای ندیدم.

بنده ملاحظات خیلی مفیدی هم برای اصلاح کار دارم که اگر روزی اشخاص بیغرض و دارای اختیار حل و عقد از من مشاوره کنند می گویم و آن وقت معلوم می شود که بنده نه عامد در ضرر مملکت و نه جاهل بوده ام یعنی نه حر و نه در هر حال تصحیف حر، بنده نبوده ام بلکه در وفاداری به حق و اهل حق همیشه از حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه عقب نبوده و با تاسی به اولیای حق مصداق لم یشرک بالله طرفه عین بوده ام. آخرین مطلب، این را عرض کنم که مصلحت مملکت یک چیز است، و جزو بحث و اغراض هم نمی خواهم عرض کنم. لجاج و مخاصمه و منازعه چیز دیگری است. ما باید اغراض را از دل بریزیم و سعی کنیم کار مملکت را اصلاح کنیم هر طور که شما می خواهید، هر طور آقای رحیمیان می خواهند هر طور می خواهید، ولی این راهش نیست. بنده نمی خواهم چیزی عرض کنم و حالا هم عرض نمی کنم از این مطالبی که این جا گفته شد صدی هشتادش بی اساس بود، بی اساس صرف بود (صحیح است) بنده بیایم حالا احتجاج بکنم مدافعه از شرکت نفت که نمی کنم وقتی می گویند مثلاً بیست میلیون در بلژیک صد تا بیشتر خطا بود یکی این که ۲۰ میلیون لیره که در شرکت نفت رزرو است مال ایران خواهد بود (رحیمیان - من جز سعادت ملت ایران چیزی نمی خواهم) بنده خیلی ممنون می شوم اگر آقایان یک دفعه در یک جلسه ای تشریف بیاورند بنشینند آنچه که من می دانم البته نه آنچه را که خدا می داند و من نمی دانم. اول قسم می خورم که یک خردلی کتمان نکنم و آنچه هست بگویم تا بعد حکم و قضاوت بکنید که آیا راهی دیگر بود؟ یا خیر. اگر هم بوده

است شاید ما اشتباه و تقصیر کرده ایم (احسنت).

«رحیمیان - با بیانات جناب آقای تقی زاده که ما بیش از این انتظار نداشتیم، این قرارداد لغو است. با بیانات جناب آقای تقی زاده این قرارداد از درجه اعتبار ساقط است. نمایندگان صحیح است».*

ناگفته نماند که رحیمیان در مجلس چهاردهم نیز پیشنهاد کرد قرارداد ۱۳۱۲ لغو شود و دکتر مصدق با آن مخالفت کرد.

محمد علی موحد درباره اهمیت سخنان تقی زاده در مجلس پانزدهم در کتاب خواب آشفته نفت نوشته است:

«سخنان وی [تقی زاده] اعتبار قرارداد را زیر سؤال برد و حربه قاطعی به دست مخالفان کمپانی داد که قرارداد را از اصل باطل و مخدوش خواندند». او اظهار داشت: «... من شخصا هیچ وقت راضی به تمدید مدت قرارداد نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بود، تقصیر آلت فعل نبود، بلکه تقصیر فاعل بود که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد».

«کمتر اعترافی تا این درجه صادقانه و در عین حال سنجیده و حساب شده و دقیق از دست اندرکاران سیاست ایران بر صفحه تاریخ نقش بسته است...». بر اساس اعتراف صریح تقی زاده بود که در مجلس شانزدهم «... دکتر شایگان - طی یک استدلال حقوقی در مجلس شورای ملی، همین سخنان را دلیل بر وجود اکراه در عقد دانست و قرارداد را اگر نه باطل، دست کم غیر نافذ خواند. دکتر مصدق نیز چه در مجلس شورای ملی ایران و چه در برابر شورای امنیت و دیوان داوری بین المللی... از هیچ فرصتی برای استناد به گفته های تقی زاده در بی اعتباری قرارداد ۱۳۱۲ فروگذار نمود».*

به نظر نویسنده این سطور، موحد از معتقدان به دکتر مصدق است و این موضوع از آغاز تا پایان کتاب خواب آشفته نفت به چشم می خورد. ولی وی مردی ست «محقق» و صاحب نظر در موضوع نفت و مسائل حقوقی نفت. بدین جهت بیطرفی را که نخستین شرط هر تحقیق جدی ست، هرگز از نظر دور نداشته است. وی همه اسناد معتبر خارجی و داخلی را در ماجرای ملی شدن نفت در کتاب خود نقل کرده و بیطرفانه درباره آنها و شخص دکتر مصدق و همکارانش و شاه به داوری پرداخته است.

* به نقل از مذاکرات مجلس پانزدهم.

* محمد علی موحد، خواب آشفته نفت، دکتر مصدق و نهضت ملی ایران، تهران، ۱۳۷۸، ج ۱/ به ترتیب ص ۸۱،

۳ - امتیاز نامه جدید نفت*

مقدمه

به قصد برقرار کردن امتیاز جدیدی به جای امتیازی که در تاریخ ۱۹۰۱ [در اصل: ۱۹۰۹] به ویلیام دارسی داده شده بود این امتیاز را دولت ایران اعطاء و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود آن را قبول می نماید.

روابط طرفین مذکور در فوق در آتیه برطبق این قرارداد خواهد بود.

تعریفات - بعضی اصطلاحات مستعمله در این قرارداد، قطع نظر از هر معنی دیگری که ممکن است در حال یا در آتیه در موارد دیگر داشته باشد در این قرارداد مطابق تعریفات ذیل معنی خواهد شد.

دولت - یعنی دولت شاهنشاهی ایران.

کمپانی - یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود و تمام شرکتهای تابعه آن.

شرکت نفت انگلیس و ایران - یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود یا هر شخص حقوقی دیگری که با تصویب دولت ایران مطابق ماده ۲۶ این امتیاز به او منتقل شود.

شرکت تابعه - یعنی هر شرکتی که در آن کمپانی حق تعیین بیش از نصف مدیران را مستقیماً یا غیر مستقیم داشته باشد و یا آن که کمپانی در آن شرکت به طور مستقیم یا غیر مستقیم مالک یک مقداری سهام باشد که بیش از پنجاه درصد حق رای در مجمع عمومی شرکت مزبور را برای کمپانی تضمین نماید.

نفت - یعنی روغن نفت خام و گازهای طبیعی و قیرها (اسفالتها) و مومهای طبیعی و تمام مشتقات دیگری که یا از مواد مذکوره حاصل می شود و یا به وسیله اختلاط و امتزاج این مواد به مواد دیگری به دست می آید.

عملیات کمپانی در ایران - یعنی تمام عملیات صنعتی و تجاری و فنی که کمپانی منحصراً برای اجرای این امتیاز انجام می دهد.

ماده اول - دولت برطبق مقررات این امتیاز حق مانع العیر تفحص و استخراج نفت را در حدود حوزه امتیاز به کمپانی اعطاء می کند و همچنین حق انحصاری تصفیه و هر نوع عملی را در نفتی که خود تحصیل کرده و تهیه آن به برای تجارت خواهد داشت و همچنین

دولت در تمام وسعت خاک ایران به کمپانی حق غیر انحصاری حمل و نقل و تصفیه و هر نوع عملی در آن و تهیه آن برای تجارت و همچنین فروش آن در ایران و صادر کردن آن را اعطاء می نماید.

ماده دوم - الف - حدود حوزه امتیاز تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ عبارت خواهد بود از حوزه ای که واقع است در جنوب خط بنفشی که در روی نقشه ای که طرفین امضا کرده و منضم به قرارداد است رسم شده است.

ب - کمپانی باید منتها تا ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ در حوزه مذکور در فوق یک یا چندین قطعه زمین را به هر شکل و وسعتی و در هر نقطه که مقتضی می داند انتخاب نماید.

مجموع سطح یک یا چند قطعه که انتخاب شده باشد، نباید از یک صد هزار میل مربع انگلیسی (۱۰۰۰۰۰ میل مربع) تجاوز نماید - هر میل ساده مطابق است با یک هزار و ششصد و نه متر.

کمپانی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ یا قبل از آن یک قطعه یا قطعاتی را که به طریق فوق انتخاب کرده کتباً به دولت اطلاع خواهد داد.

به هر اطلاعنامه نقشه ها و اطلاعات لازمه برای تشخیص و تحدید قطعه یا قطعات منتخبه از طرف کمپانی ضمیمه خواهد شد.

ج - بعد از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ دیگر حق تفحص و استخراج نفت را جز در قطعه یا قطعاتی که مطابق بند (ب) فوق انتخاب کرده است نخواهد داشت و حوزه امتیاز بعد از این تاریخ عبارت خواهد بود از قطعه یا قطعاتی که بدین طریق انتخاب گردیده و از انتخاب آنها نیز به ترتیب مذکور در فوق به دولت اطلاع داده شده باشد.

ماده سوم - کمپانی حق غیر انحصاری ساختن و داشتن لوله های حمل نفت را خواهد داشت.

کمپانی در تعیین محل سیر لوله های نفت خود و به کار انداختن آنها مختار است.

ماده چهارم - الف - هر زمین بایر متعلق به دولت که کمپانی برای عملیات خود در ایران لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً به کمپانی واگذار خواهد شد. طریقه تحصیل اراضی مذکور به ترتیب ذیل خواهد بود. هر وقت قطعه ای از اراضی مذکوره مورد احتیاج کمپانی واقع می شود، باید کمپانی یک یا چندین نقشه که در روی آن زمین مورد احتیاج با رنگ آمیزی مشخص گردیده باشد به وزارت مالیه ارسال بدارد.

دولت در صورتی که اعتراضی نداشته باشد متعهد می شود که در ظرف سه ماه از تاریخ

وصول تقاضای کمپانی موافقت خود را اظهار بدارد.

ب - اراضی دائر متعلق به دولت را که کمپانی احتیاج پیدا می کند، به طریقی که در جزء قبل مذکور است از دولت تقاضا خواهد کرد و دولت در ظرف سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دایر به فروش آن اراضی اشعار خواهد داشت در صورتی که دولت اعتراض و احتیاجی به اراضی مزبور نداشته باشد.

قیمت این اراضی را کمپانی تأدیه خواهد کرد - قیمت مزبور باید عادلانه باشد و از قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده و همان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید.

ج - در صورتی که دولت در مقابل تقاضای پیش بینی شده در جزوهای (الف و ب) مذکور در فوق جوابی ندهد پس از انقضای دو ماه از تاریخ وصول تقاضاهای مزبور کمپانی تذکر نامه جدیدی به دولت خواهد فرستاد چنانچه به تذکر نامه مزبور نیز در ظرف یک ماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت به منزله تصویب تلقی خواهد گردید.

د - اراضی را که متعلق به دولت نیست و برای کمپانی لازم باشد با توافق با صاحبان اراضی مزبور و یا توسط دولت کمپانی تحصیل خواهد کرد. در صورت عدم حصول موافقت در قیمت، دولت به صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیش از نرخ متعارفی اراضی متشابه مجاور مطالبه نمایند. برای تقویم اراضی مذکور منظوری که کمپانی از مصرف آنها دارد مأخذ قرار داده نمی شود.

ه - اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی و محللهایی که جنبه تاریخی دارد و همچنین توابع آنها تا دویست متر مسافت از مقررات مذکوره مستثنی هستند.

و - کمپانی حق غیر انحصاری خواهد داشت که فقط در حوزه امتیازی، نه جای دیگر و از هر زمین بایر متعلق به دولت برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاک و شن و آهک و سنگ گچ و سنگ مصالح ساختمانی دیگر مجانا استفاده نماید.

مسلم است که اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر شخص ثالثی باشد باید کمپانی جبران خسارت ذوی الحقوق را بنماید.

ماده پنجم - عملیات کمپانی در ایران به طریق ذیل محدود می شود:

۱ - ساختمان هر خط آهن و هر بندر جدیدی موقوف به حصول موافقت قبلی بین دولت و کمپانی خواهد بود.

۲ - اگر کمپانی توسعه ارتباط تلفونی و تلگرافی و تلگراف بی سیم و هواپیمایی فعلی خود را در نظر داشته باشد قبل از تحصیل اجازه دولتی در این خصوص اقدامی نمی تواند

بکند.

اگر دولت برای دفاع ملی یا در موقع پیشامدهای فوق العاده دیگری احتیاج به وسائط نقلیه و وسائل ارتباطیه کمپانی پیدا کند تعهد می نماید حتی الامکان کمتر موجب تضییق عملیات کمپانی بشود و نیز خساراتی را که از این حیث متوجه کمپانی می گردد به طور حقانیت جبران نماید.

ماده ششم - الف - کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که منحصرأ برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی و مالیاتهای معموله حین ورود را بپردازد.

کمپانی تدابیر لازمه را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده به اشخاصی غیر مستخدمین خودش فروخته یا واگذار نگردد.

ب - کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوصی حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه ای را که برای مریضخانه ها و مطبهای خود در ایران لازم دارد وارد نماید و اشیاء و اجناس مذکوره در موقع ورود از تأدیه حقوق گمرکی هر نوع مالیات و عوارض به دولت و ادارات محلی معاف خواهد بود.

ج - بدون تحصیل هیچ گونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی و مالیات و عوارض به دولت ایران و ادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصرأ برای عملیات خود در ایران لازم دارد وارد نماید.

د - صادرات نفتی از پرداخت حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض به دولت و ادارات محلی معاف خواهد بود.

ماده هفتم - الف - کمپانی و مستخدمینش از حمایت قانون دولت بهره مند خواهند بود.

ب - دولت در حدود قوانین و مقررات مملکتی همه نوع تسهیلات ممکنه را برای عملیات کمپانی مبذول خواهد داشت.

ج - هرگاه دولت در حوزه امتیازیه به اشخاص دیگری امتیازاتی برای به کار انداختن سایر معادن اعطاء کند باید وادار نماید که احتیاطات لازمه را به عمل آورند که عملیات آنها به مؤسسات و عملیات کمپانی خسارتی وارد نسازد.

د - کمپانی مکلف است منطقه ای را که برای ساختن خانه و دکاکین و سایر بناهای دیگر خطرناک است تعیین کند تا دولت بتواند اهالی را مسبوق و از سکونت در آن محل منع نماید.

ماده هشتم - کمپانی ملزم نخواهد شد که هیچ قسمتی از وجوه خود و مخصوصاً عواید حاصله از فروش صادرات خود را به پول ایرانی تبدیل نماید.

ماده نهم - کمپانی فوراً تدارکات خود را خواهد دید که به وسیله یک کمپانی فرعی استخراج نفت ایالت کرمانشاه را شروع و در محل تصفیه نماید.

ماده دهم - ۱ - مبالغی که برحسب این قرارداد از طرف کمپانی باید به دولت تأدیه شود (علاوه بر مبالغی که در موارد دیگر پیش بینی شده) به شرح ذیل تعیین می گردد:

الف - حق الامتیاز سالانه که از اول ژانویه ۱۹۳۳ شروع می شود به مبلغ چهار شلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران به فروش برسد و یا از ایران صادر شود.

ب - پرداخت مبلغی معادل با بیست درصد (۲۰٪) آنچه اضافه به ۶۷۱۲۵۰ لیره به صاحبان سهام عادی کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود توزیع می گردد خواه این توزیع به عنوان سهم منافع یکی از سنوات بوده یا از وجود ذخیره همان کمپانی که اضافه بر ذخائری که در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ به موجب دفاتر خود موجود داشته باشد.

ج - مجموع مبالغی که برای هر سال مسیحی بر حسب جزءهای (الف) و (ب) از طرف کمپانی به دولت ایران تأدیه می شود، نباید هرگز از هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ (۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ) کمتر باشد.

۲ - تأدیه وجوه مذکور در این ماده از طرف کمپانی به طریق ذیل به عمل خواهد آمد:

الف - ۳۱ مارس و ۳۰ ژوئن و ۳۰ سپتامبر و ۳۱ دسامبر هر سال هر دفعه مبلغ یک صد و هشتاد و هفت هزار و پانصد لیره استرلینگ (تأدیه مربوط به ۳۱ مارس ۱۹۳۳ فوراً پس از تصویب این قرارداد به عمل خواهد آمد).

ب - در تاریخ بیست و هشتم فوریه ۱۹۳۴ و من بعد در همین تاریخ در هر سال حق الامتیاز مربوط به سال قبل بابت هر تن نفت بر حسب جزء (۱- الف) پس از وضع مبلغ هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ (۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ) که مطابق جزء (۱- الف) قبلاً تأدیه گردیده است.

ج - مبالغ لازم التأدیه به دولت بر حسب جزء (۱- ب) این ماده در موقع تقسیم منافع به سهام عادی پرداخته خواهد شد.

۳ - در موقع انقضای این امتیاز و همچنین در صورت ترک آن از طرف کمپانی مطابق ماده (۲۵) کمپانی مبلغی مساوی بیست درصد (۲۰٪) از بابت‌های ذیل را به دولت ایران تأدیه خواهد کرد:

الف - از تفاضل بین مبالغ کل ذخائری که کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود در

تاریخ انقضاء و یا ترک امتیاز موجود خواهد داشت و مبالغ ذخائری که کمپانی مذکور در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ موجود داشته است.

ب - از تفاضل بین مبالغ موجودی که از طرف کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضاء یا ترک امتیاز به حساب منقول می شود و موجودیهایی که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲، از طرف کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضاء یا ترک امتیاز به حساب منقول می شود و موجودیهایی که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۳ از طرف کمپانی مزبور به حساب منقول گردیده است.

پرداخت وجوه لازم التادیه به دولت برحسب این جزء یک ماه بعد از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که پس از انقضاء یا ترک امتیاز تشکیل می شود انجام خواهد گردید.

۴ - دولت حق خواهد داشت که محاسبات مربوط به جزء (۱ - الف) را که منتهی تا ۲۸ فوریه هر سال گذشته فرستاده می شود تفتیش و رسیدگی نماید.

۵ - برای جلوگیری از امکان توجه ضرر به دولت در موقع ترقی و تنزل قیمت پول انگلیس طرفین به شرح ذیل توافق حاصل نمودند:

الف - هرگاه موقع قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلینگ (۶ لیره استرلینگ) در مقابل یک اونس تروی تجاوز نماید، برای هر پنس که علاوه بر شش لیره استرلینگ در مقابل یک اونس تروی در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التادیه به دولت از طرف کمپانی به موجب این قرارداد (به استثنای مبالغی که برحسب جزءهای (۱ - ب) و (۳ - الف و ب) این ماده و جزء (۱ - الف) از ماده ۲۳ باید به دولت برسد) به میزان یک یک هزار و چهارصد و چهارم $\frac{1}{1440}$ مبالغ مزبوره افزوده خواهد گردید.

ب - هرگاه موقع دولت تصور کرد به این که دیگر طلا مبنای عمومی قیمتها نیست و طریق تادیه های مذکور در فوق تضمینی را که منظور طرفین است برای دولت فراهم نمی نماید، طرفین موافقت می نمایند که وضعیت تضمین مزبور را تغییر دهند و در صورت عدم حصول موافقت قضیه مطابق ماده ۲۲ به حکمیت ارجاع خواهد شد و شرایطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد معین و تاریخ اجرای آن را نیز معلوم خواهد نمود.

۶ - هرگاه در پرداخت مبالغ لازم التادیه به دولت مطابق تاریخهای مقرر در این قرارداد اتفاقاً از ناحیه کمپانی تأخیر به عمل آید، برای مدت تأخیر از قرار پنج درصد در سال فرع وجوه مزبوره را کمپانی خواهد پرداخت.

ماده یازدهم - کمپانی برای مدت سی سال اول عملیات خود را در ایران از پرداخت هرگونه مالیاتی که به نفع دولت و ادارات محلی فعلاً برقرار و یادر آتی وضع می شود معاف

خواهد بود و در عوض مبالغ ذیل را به دولت تأدیه خواهد نمود:

الف - در مدت پانزده سال اول این قرارداد به تاریخ ۲۸ فوریه هر سال و برای اولین مرتبه در ۲۸ فوریه ۱۹۳۴ نه پنس بابت هر تن از شش میلیون تن (۶۰۰۰۰۰۰ تن) نفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزء (۱ - الف) از ماده (۲۰) می گردد و شش پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود.

ب - کمپانی تأمین می کند مبالغی را که بر طبق جزء های فوق الذکر تأدیه می نماید هیچ وقت از مبلغ دویست و بیست و پنج هزار لیره استرلینگ (۲۲۵۰۰۰ لیره استرلینگ) کمتر نباشد.

ج - در مدت پانزده سال بعد یک شلینگ بابت هر تن از شش میلیون تن (۶۰۰۰۰۰۰) نفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزء (الف) از ماده (۱۰) می گردد و ۹ پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود.

د - کمپانی تضمین می کند مبالغی را که بر طبق جزء (ج) ما قبل تأدیه می نماید هیچ وقت از سیصد هزار لیره استرلینگ (۳۰۰۰۰۰ لیره استرلینگ) کمتر نباشد.

ه - قبل از سنه ۱۹۶۳ راجع به میزان مبالغی که کمپانی در ازای معافیت کامل عملیات خود در ایران از پرداخت هر گونه مالیاتی به نفع دولت و یا ادارات محلی در مدت سی سال دوم که منتهی به سنه ۱۹۹۳ می نمود باید پردازد طرفین توافق نظر حاصل خواهند نمود.

ماده دوازدهم - الف - کمپانی راجع به عملیاتی که مطابق این قرارداد در ایران می نماید جمیع وسایل معمول و مناسب را برای تأمین صرفه جویی و استفاده کامل از عملیات خود و برای حفظ مخازن تحت الارضی نفت و برای استفاده از امتیاز خود به طرزى که مطابق آخرین ترقیات علمی باشد به کار خواهد برد.

ب - هرگاه در حوزه امتیاز غیر از نفت سایر مواد معدنی و بیشه ها و جنگلها متعلق به دولت موجود باشد کمپانی نمی تواند آنها را به کار انداخته و استفاده نماید و یا مانع عملیات و استفاده دیگران بشود (مشروط بر این که مقررات جزء (ج) از ماده (۷) رعایت شود).

ولی در صورتی که مواد معدنی بیشه و جنگلهای مذکور برای تجسس و استخراج نفت لازم باشد کمپانی حق استفاده از آنها را خواهد داشت.

ج - کلیه حفریاتی که منجر به کشف نفت نگشته و آب و یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا می شود باید برای دولت حفظ شود و فوراً کمپانی دولت را از کشفیات مزبور مطلع

سازد و دولت هرچه زودتر ممکن باشد به کمپانی تمایل خود را نسبت به تصرف حفريات مزبور اعلام خواهد داشت و در صورت تصرف آنها دولت مراقبت خواهد کرد که مانع عمليات کمپانی نشود.

ماده سیزدهم - کمپانی تعهد می نماید که به خرج خود و در یک مدت مناسبی هر موقعی که نماینده دولت تقاضا می کند سوادهای صحیح از تمام طرحها و نقشه ها و رسمها و سایر مدارک و اسناد راجع به وضعیت سطح الارضی و طبقات الارضی و حفر چاهها مربوط به حوزه امتیازیه که موجود دارد به وزارت مالیه بدهد.

به علاوه در تمام مدت امتیاز کمپانی تمام اطلاعات مهم علمی و فنی را که از نتیجه عمليات خود در ایران به دست آورده به دولت ارسال خواهد داشت.

تمام اسناد و مدارک مربوطه را دولت به عنوان محرمانه تلقی خواهد نمود.

ماده چهاردهم - الف - دولت به میل خود در هر موقع مناسبی حق خواهد داشت امر به تفتیش به عمليات فنی کمپانی در ایران نموده و برای اجرای این مقصود از اهل خبره و متخصصین فنی مأمورین بگمارد.

ب - کمپانی تمام مدارک و اسناد مربوط به اطلاعات علمی و فنی و تمام مؤسسات و وسائل و آلات اندازه گرفتن استخراج نفت را در دسترس مأمورین خبره و متخصصین دولت خواهد گذارد و به علاوه مأمورین مزبور در تمام ادارات کمپانی و در تمام خاک ایران حق تحصیل هرگونه اطلاعی را خواهند داشت.

ماده پانزدهم - دولت حق تعیین یک نفر نماینده را خواهد داشت و نماینده مزبور (مأمور دولت شاهنشاهی) نامیده شده و اختیارات ذیل را خواهد داشت:

۱ - اطلاعاتی را که در حدود حق صاحبان سهام کمپانی است از کمپانی تحصیل نماید.

۲ - در تمام جلسات هیأت مدیره و کمیته های آن و در تمام جلسات مجمع عمومی که برای مذاکره در مسائل روابط دولت و کمپانی تشکیل شده باشد حضور به هم رساند.

۳ - کمیته را که کمپانی به قصد توزیع اعتبار مذکور در ماده (۱۶) و برای نظارت در تحصیل ایرانیان در لندن تشکیل می دهد، به عنوان رسمی و با حق رای قاطع ریاست نماید.

۴ - تقاضا نماید که جلسات مخصوص هیأت مدیره هر وقت که لازم بداند برای مذاکره در مسائلی که دولت پیشنهاد می نماید تشکیل گردد. جلسات مزبوره در مدت پانزده روز بعد از وصول تقاضای کتبی به منشی کمپانی تشکیل خواهد شد.

کمپانی بابت حقوق و سایر مخارج نماینده مزبور سالانه دو هزار لیره استرلینگ

به دولت خواهد پرداخت.

دولت کتباً کمپانی را از تعیین نماینده مزبور و یا جانشین او مطلع خواهد ساخت.

ماده شانزدهم - ۱ - طرفین تصدیق دارند و قبول می نمایند که اصلی که مدار اجرای این قرارداد می باشد آن است که در منافع طرفین حفظ حد اعلائی منتج بودن و صرفه جویی در اداره و عملیات کمپانی در ایران ضرورت عالی دارد.

۲ - مسلم است که کمپانی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجاری خود را به اندازه ای که اشخاص ذی صلاحیت و با تجربه در ایران یافت شود از اتباع ایرانی انتخاب خواهد کرد و این نیز مسلم است که مستخدمین غیر فنی کمپانی منحصرأ از اتباع ایران خواهند بود.

۳ - طرفین موافقت می نمایند در این که طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که بر طبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده و به جای آنها به طور تصاعدی در کوتاه ترین مدت ممکن از اتباع ایرانی بگمارند.

۴ - کمپانی سالانه مبلغ ده هزار لیره استرلینگ برای این که اتباع ایران در انگلستان علوم و فنون مربوط به صناعت نفت را فرا گیرند تخصیص خواهد داد. اعتبار مذکور به وسیله یک کمیته که مطابق ماده ۱۵ تشکیل می شود به مصرف خواهد رسید.

ماده هفدهم - کمپانی تشکیلات و مخارج تأسیسات و تفتیش و اداره وسائل صحی و صحت عمومی را مطابق جدیدترین طریقه حفظ الصحة معمولی در ایران در تمام اراضی و ابنیه و مساکن اعضاء و عملجات خود که در حوزه امتیازیه کار می کنند به عهده می گیرد.

ماده هیجدهم - هروقت کمپانی اسهام جدیدی برای عامه اشاعه می دهد، باید دفاتر ثبت تقاضای اشتراک آن را در همان موقع که در سایر نقاط شروع می شود در تهران نیز برقرار نماید.

ماده نوزدهم - کمپانی برای احتیاجات داخلی ایران و از آن جمله احتیاجات دولت بنزین و نفت و لامپ و مازوت که از نفت ایران حاصل می شود براساس ذیل خواهد فروخت:

الف - در اول ژوئن هر سال کمپانی معدل قیمت‌های (فوب) رومانی را راجع به بنزین و نفت و لامپ و مازوت و معدل قیمت‌های (فوب) خلیج مکزیک را راجع به هریک از مواد مذکوره نسبت به مدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ ۳۰ آوریل معین خواهد کرد. نازلترین معدل‌های مذکور اختیار و «اساس قیمت‌ها» برای سالی که از اول ژوئن شروع می گردد قرار داده می شود.

قیمتهای اساسی به منزله قیمت در تصفیه خانه تلقی می‌گردد.

ب - کمپانی بنزین و نفت و لامپ و مازوت را به ترتیب ذیل خواهد فروخت:

۱ - به دولت برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه فروش به دیگران، مطابق «قیمتهای اساسی» مذکور در جزء (الف) فوق با تخفیف بیست و پنج درصد.

۲ - به سایر مصرف کنندگان مطابق همان «قیمتهای اساسی» با تخفیف ده درصد.

ج - کمپانی حق دارد که به قیمتهای اساسی مذکور در جزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بیفزاید.

د - دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کمپانی فروخته است قدغن خواهد کرد.

ماده بیستم - ۱ - (الف) در مدت ده سال آخر امتیاز و یا در فاصله دو سال پس از اطلاع قبلی که راجع به ترک امتیاز مطابق ماده ۲۵ داده می‌شود کمپانی جز به شرکت‌های تابع خود حق فروش یا انتقال یک یا چندین قسمت از اموال غیر منقول خود را که در ایران موجود است ندارد. در مدت‌های مذکور نیز کمپانی حق انتقال و خارج کردن هیچ قسمتی از اموال منقول خود را ندارد مگر آن که اشیاء مزبوره از حیز انتقال افتاده باشد.

ب - در تمام مدت قبل از ده سال آخر امتیاز هیچ قطعه از اراضی را که کمپانی مجاناً از دولت تحصیل کرده است نمی‌تواند انتقال دهد و همچنین هیچ یک از اموال منقول خود را نیز به استثناء آنچه غیر مفید و یا این که دیگر مورد احتیاج عملیات کمپانی در ایران نیست نمی‌تواند خارج نماید.

۲ - در موقع ختم امتیاز خواه این ختم به واسطه انقضای عادی مدت یا به هر نحو دیگری پیش آمد کرده باشد تمام دارایی کمپانی در ایران به طور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق به دولت ایران می‌گردد.

۳ - جمله (تمام دارایی) مشتمل است بر تمام اراضی و ابنیه و کارخانه‌ها و ساختمانها و چاهها و سدهای دریایی و راهها و لوله‌های حمل نفت و پلها و رشته نفتیهای فاضلاب و وسایل توزیع آب و ماشینها و مؤسسات و تجهیزات (از آن جمله آلات و ادوات) از هر قبیل و تمام وسائط نقلیه (مثلاً از قبیل اتومبیل و گاری و ایروپلان) و تمام اجناس انبار شده و سایر اشیایی که کمپانی در ایران برای اجرای این امتیاز از آن استفاده می‌نماید.

ماده بیست و یکم - طرفین متعاهدین اعلام می‌دارند که اجرای این قرارداد مبنی بر

اصول متقابل حسن نیت و صداقت و تفسیر معقول و متناسب این قرارداد باشد.
کمپانی صریحاً تعهد می نماید که در هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی و یا خودداری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید.

این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آتیه به وسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچ یک از دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامات اجرائیه قابل تغییر نخواهد بود.

ماده بیست و دوم - الف - هر قبیل از اختلافات حاصله بین طرفین مخصوصاً اختلافات ناشی از تغییر مدلول این امتیاز نامه و حقوق و مسؤولیتهای مقرر در آن و همچنین هر اختلاف نظر در مواردی که به موجب این امتیاز نامه محتاج به توافق نظر طرفین است به طریق حکمیت قطع و فصل خواهد شد.

ب - طرفی که تقاضای حکمیت می کند باید تقاضای خود را به طرف دیگر کتباً ابلاغ کند.

طرفین هریک، یک حکم معین نموده و حکمین قبل از شروع به حکمیت، یک حکم ثالثی انتخاب خواهند کرد. هر گاه حکمین نتوانند در ظرف دو ماه نسبت به تعیین حکم ثالث توافق حاصل نمایند - حکم مزبور را به تقاضای یکی از طرفین رئیس دیوان دآوری دائمی بین المللی تعیین خواهد نمود. چنانچه رئیس دیوان دائمی بین المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزء (ج) حائز شرایط لازم برای تعیین حکم ثالث نباشد، حکم ثالث به وسیله نایب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد.

ج - حکم ثالث باید از ملت ایران یا انگلیس نباشد و به علاوه ارتباط نزدیک نیز نه با ایران و نه با انگلیس از حیث تعلق به یکی از مستملکات یا ممالک تحت الحمايه و یا مستعمرات و ممالک تحت قیمومت و ممالکی که به وسیله یکی از مملکتین مذکور در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل این که در خدمت یکی از ممالک مزبوره بوده و یا می باشد نداشته باشد.

د - اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از وصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خود را معین نکرد و یا تعیین آن را به طرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان دآوری دائمی بین المللی (یا از نایب رئیس در موردی که مطابق قسمت اخیر جزء (ب) پیش بینی گردیده) تقاضا نماید که یک حکم منفرد ذی صلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند و در این صورت اختلاف موجود به وسیله حکم

منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید.

ه - اصول محاکمات در حکمیت مطابق همان اصولی خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان داوری دائمی بین المللی مأمور آن جاست و محل حکمیت را برحسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور در جزء (د) معین خواهد کرد.

و - حکم حکمیت مستند بر اصول قضائی مذکور در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان داوری دائمی بین المللی بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود.

ز - مخارج حکمیت به نحوی که در رأی حکمیت تعیین می شود تأدیه خواهد گردید.

ماده بیست و سوم - ۱ - از برای تصویب کلی تمام دعاوی گذشته دولت ایران از مهر قبیل تا تاریخ اجرای این قرارداد (به استثنای آنچه مربوط به مالیاتهای ایران است) کمپانی به شرح ذیل اقدام می کند:

الف - به فاصله سی روز از تاریخ مذکور مبلغ یک میلیون لیره استرلینگ (۱۰۰۰۰۰۰ لیره استرلینگ) خواهد پرداخت و به علاوه:

ب - مبالغ لازم التأدیه به دولت را بابت عمل کرد سنوات ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ بر مبنای مذکور در ماده ۱۰ این قرارداد نه مطابق اساس امتیاز داری پس از وضع دویست هزار لیره استرلینگ (۲۰۰۰۰۰ لیره استرلینگ) که به رسم مساعده در ظرف سنه ۱۹۳۲ بابت حق الامتیاز پرداخته و یک صد و سیزده هزار و چهارصد و سه لیره و سه شلینگ و ده پنس (۱۰ - ۳ - ۱۱۳۴۰۳ لیره) که به اختیار دولت قبلاً به ودیعه گذاشته شده تصفیه و تأدیه خواهد کرد.

۲ - در همان مدت مذکور در فوق در مقابل دعاوی دولت بابت مالیات گذشته از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ الی ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ کمپانی مبلغی برحسب مبنای مذکور در جزء (الف) از بند (۱) ماده ۱۱ محاسبه و بدون رعایت تضمین مذکور و جزء (ب) از بند مزبور به دولت تأدیه خواهد نمود.

ماده بیست و چهارم - هرگاه به مناسبت الغای امتیاز «داری» نسبت به قراردادهای اجاره که قبل از اول دسامبر ۱۹۳۲ تا اندازه ای که امتیاز مزبور اجازه می داده است منعقد گردیده اختلافاتی بین کمپانی و افراد تولید گردد اختلافات مزبوره مطابق قواعد تفسیری ذیل فیصله خواهد یافت:

الف - اگر قرارداد برحسب مدلول خود در آخر امتیاز «داری» باید خاتمه یابد تا تاریخ ۲۸ مه ۱۹۶۱ با وجود الغاء امتیاز مزبور به اعتبار خود باقی خواهد ماند.

ب - هرگاه در قرارداد پیش بینی شده باشد که علاوه بر اعتبار آن در مدت امتیاز

«داری» در صورت تجدید امتیاز قرارداد مزبور نیز تجدید می شود اعتبار آن تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ باقی خواهد ماند.

ماده بیست و پنجم - در آخر هر سال مسیحی کمپانی حق خواهد داشت که این امتیاز را ترک نماید مشروط بر این که دو سال قبل از آن دولت را از نیت خود کتباً مطلع ساخته باشد.

در خاتمه مدت فوق الذکر، کلیه دارایی کمپانی در ایران (به طوری که در قسمت ماده ۲۰ تصریح شده) مجاناً و بدون هیچ قیدی به طور سالم و قابل استفاده ملک دولت خواهد شد و کمپانی در آتیه از هرگونه تعهدی بری خواهد بود.

چنانچه نسبت به تعهدات طرفین مربوط به قبل از انقضای مدت مذکور در فوق اختلافاتی حاصل شود به طریق حکمیت مذکور در ماده ۲۲ قطع و فصل خواهد شد.

ماده بیست و ششم - این امتیاز برای مدتی که ابتدای آن از تاریخ اجراء و انتهای آن در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ خواهد بود به کمپانی اعطا می گردد. قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمی تواند خاتمه پیدا کند مگر در صورتی که کمپانی مطابق ماده ۲۵ آن را ترک کند و یا آن که محکمه حکمیت بر اثر ارتکات تخلفی از طرف کمپانی نسبت به اجرای مقررات این قرارداد ابطال آن را اعلام بدارد.

تخلف به معنی مذکور در فوق منحصر به مواد ذیل است:

الف - هرگاه مبلغی که بر حسب رای محکمه حکمیت باید به دولت پرداخته شود تا یک ماه بعد از تاریخ صدور رای تأدیه نگردد.

ب - هرگاه تصمیم بر انحلال اختیاری و یا اجباری کمپانی گرفته شود.

در مورد سایر تخلفاتی که نسبت به مقررات این قرارداد از هر یک از طرفین تلقی شود محکمه حکمیت درجه مسئولیتها و اثرات مترتبه بر آن را تعیین خواهد نمود.

هر نوع انتقال امتیاز مشروط به تصویب دولت خواهد بود.

ماده بیست و هفتم - این قرارداد پس از تصویب مجلس و توشیح آن از طرف اعلیحضرت همایونی قابل اجرا می گردد.

در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ این قرارداد در تهران منعقد گردید.

این امتیاز که مشتمل بر بیست و هفت ماده است در جلسه هفتم خرداد ماه یک هزار و سیصد و دوازده شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر